

پیش نیاز تمدن سازی با نگاهی دینی و تاریخی با تأکید بر نهادهای سیاسی، قضایی، فرهنگی و آموزشی

سید محمد حسن مصطفوی^۱

چکیده

ادبیات و تئوری‌های توسعه و شکل‌گیری تمدن، مسیر بلندی را پشت سر گذاشته است. ابتدا نقش سرمایه‌های فیزیکی مانند منابع طبیعی و مالی در جهت تولید هرچه بیشتر مورد تأکید بود؛ بعدها به توسعه که در آن، بویژه تبدیل نیروی انسانی (عامل کار) به سرمایه انسانی (مهارت‌ها، تخصص‌ها و دانش) مورد توجه واقع شد و سپس سرمایه‌های اجتماعی و نهادی مدنظر قرار گرفت که حاصل تعامل نهادها، شهروندان و دولت بود.

به تدریج موارد فوق تحت عنوان «حکمرانی خوب» مطرح گردید که شاخص‌های دیگری مانند ساختار سیاسی، نظام قضایی را نیز در بر گرفت که در این میان، نقش تعلیم و تربیت که تجلی فرهنگ جامعه می‌باشد، از اهمیت بسیاری برخوردار شده است.

در آموزه‌های اسلامی بویژه گرایش شیعی، بر نقش حاکمیت-دولت و نظام قضایی، همچنین علم، تعلیم و تربیت، تأکید شده که توجه به مفاهیم، مبانی و پیش‌فرض‌ها و به روز نمودن با توجه به روح آنها ضرورت می‌یابد. مقاله حاضر که با استفاده از داده‌های اسنادی-کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته، به قرون اولیه پس از ظهور اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی و اهم دلایل آن با نگاه غیرمتعارف می‌پردازد و در پایان پس از جمع بندی و نتیجه‌گیری، پیشنهادهای چند عرضه می‌دارد.

واژگان کلیدی: توسعه، نهاد فرهنگ و آموزش، ساختار سیاسی، نظام قضایی، آموزه‌های اسلامی، نوآوری

۱. عضو هیات علمی گروه اقتصاد ایران و توسعه پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مری m.mostafavi@modares.ac.ir

۱. مقدمه

کشورهای اسلامی از جمله ایران، فراز و نشیب‌های بسیاری را پس از پیوستن به آیین اسلام پشت سر گذاشته‌اند که در این باره در داخل و خارج از کشور، تئوری‌پردازی‌های بسیاری شده است و هر یک از صاحب‌نظران از زوایای گوناگونی، این تحولات را بررسی نموده‌اند. این نوشتار که به روش توصیفی - تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای به انجام رسیده، به ترتیب شامل بخش‌های زیر می‌شود:

پس از مقدمه، مساله و روش شناسی مقاله، پیشینه موضوع، فرهنگ، تمدن، توسعه و پیشرفت، حکمرانی در اسلام، ارزش فرهنگ و علم در اسلام، علل پیشرفت جوامع اسلامی در قرون اولیه، سخن پایانی، جمع‌بندی و پیشنهادات.

۲. مساله و روش شناسی مقاله

مساله اصلی مقاله، پیش‌نیاز تمدن‌سازی، با توجه به تجربه تمدن‌سازی در قرون اولیه ظهور اسلام است و با توجه به تاکید آموزه‌های اسلامی بر حکمرانی، امور قضاوت و تربیت فرهنگی و آموزش، در مقاله، اثرگذاری نهادهای سیاسی، قضایی، فرهنگی و آموزشی بر تمدن‌سازی، مساله‌های منبعث از مساله اصلی مقاله می‌باشد. روش تحقیق مقاله حاضر، تاریخی/توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، اسنادی-کتابخانه‌ای است.

۳. پیشینه موضوع

واسعی (۱۳۸۸) در مقاله «امکان تمدن اسلامی در دنیای کنونی: نگاهی به مبانی و ظرفیت‌ها»: اتفاق نظر تمدن‌شناسان بر وجود تاریخی تمدن اسلامی و نقش کم‌نظیر آن در تمدن جهانی، این پرسش را پدید آورده که آیا این تمدن می‌تواند در دنیای کنونی، با بازآرایی خود، حضوری پویا و رقیبانه داشته باشد؟ تمدن اسلامی به‌رغم فتوری که دامنگیرش شده، می‌تواند دوباره در صحنه جهانی حضوری مؤثر بیابد؛ با این پیش‌فرض که مبانی و ظرفیت‌های تمدن‌ساز اسلامی، چنین امکانی را برای ورود مجدد آن به عرصه رقابت تمدنی فراهم می‌سازد.

زمانی محبوب (۱۳۹۶) در مقاله «پیشرفت علمی کشور بر مبنای آزاد اندیشی»: مطالعه تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد آزاداندیشی تأثیر بسزایی بر رونق تمدن اسلامی، در سده‌های اوج آن، داشته است. برای پیشرفت کشور و تحقق تمدن نوین اسلامی نیز باید به این مقوله توجه جدی شود و بسترهای گوناگون فرهنگی و علمی فراهم شود. بالابودن ظرفیت حکومت از جنبه انتقادپذیری و برتافتن دیدگاه‌های دانشمندان، رونق فرهنگ نقد، جسارت علمی دانشمندان و شکستن مرزهای دانش، و همچنین تحقق کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی از راهکارهای تحقق آزاداندیشی است.

دهقانی و بارانی (۱۳۹۶) در مقاله «جایگاه رواداری در تمدن‌سازی اسلامی»: اسدآبادی اندیشه‌احیاگری خود را بر پایه رواداری استوار کرده و نقش مهمی برای آن در تمدن‌سازی قائل است. از نظر او، مسائلی مانند باور به اسلام اصیل، روزآمدسازی اسلام متناسب با نیازها، گسترش مناسبات علمی با اندیشمندان دیگر، همگرایی و هم‌اندیشی مسلمانان و نخبگان آنان در زدودن خرافات از جامعه از مهم‌ترین محورهای پایه‌ای برای چنین هدفی است. همچنین، فرهنگ‌سازی رواداری بین ملت‌های مسلمان، زمینه همگرایی و دوری از واگرایی و تفرقه را فراهم خواهد کرد.

رحیمی (۱۳۹۳) در مقاله «سنت علمی در تمدن اسلامی»: تمدن اسلامی به اذعان مورخان علم منشأ بسیاری از تحولات علمی و فناوریانه کنونی و قرن‌ها هدایتگر مبدع فعالیت‌های علمی بوده است. پرسش اساسی آن است که نظام علمی حاکم بر تمدن اسلامی از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده که توانسته خود را به‌عنوان کانون پیشرو و درون‌زای دانش به جهانیان معرفی کند. پاسخ در سنت مترقی دانشمندان مسلمان در کسب معرفت علمی نهفته است. روش‌ها و قواعدی که براساس آن به کسب معرفت می‌پرداختند و سنت‌هایی که در نظام تعلیم و تحقیق تمدن اسلامی ریشه دوانده بود.

۴. فرهنگ، تمدن، توسعه و پیشرفت

منظور از فرهنگ، مجموعه‌ای از باورها، آراء و عقایدی است که مورد قبول اکثریت مردم جامعه باشد، که شکل‌گیری آن نیازمند زمان نسبتاً طولانی است و منشأ‌های مختلف باورهای فرهنگی نیز در طول زمان متحول می‌شوند و در هر دوران تاریخی، زندگی انسانی، کشورها و ملیت‌های مختلف، دارای فرهنگ‌های متفاوت اند (عظیمی، ۱۳۷۱). می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ برای جامعه مانند ریشه درخت است و پیشرفت اقتصادی اروپا نیز مدیون رנסانس فرهنگی قبل از آن بوده و نکته مهم آنکه عمده باورهای فوق در نظام آموزشی با سیستم آموزشی برای توسعه شکل می‌گیرد و اگر با باور دیگر نهادها، بویژه خانواده و دولت و امروزه بویژه رسانه‌ها هماهنگ باشد، نهادینه می‌شود. تمدن عبارت است از کلیه دستاوردهای مادی و معنوی انسان برای تأمین بهینه نیازهای اقتصادی و غیراقتصادی. هر تمدن نیز براساس اندیشه و فرهنگی اساسی شکل می‌گیرد که با زوال آن اندیشه و فرهنگ، تمدن متکی بر آن نیز سقوط می‌کند.

تمدن یک تحول همه‌جانبه است و جدا کردن آن از مبانی فلسفی و اندیشه‌ای آن اشتباه است. از ابتدا، تمام کتب شاخص تحلیل تمدن در حقیقت بر پایه اندیشه‌های اصلی جامعه‌شناسانه و فلسفی است و تکنیک‌ها در مراحل بعدی مورد توجه هستند.

تمدن جدید بر اصالت فرد متکی است بر اینکه انسان‌ها برابرند و چون برابرند، آزادند و این آزادی یعنی رعایت قانون، نه رعایت فرمان. اصالت فرد به این معنی است که در دوران قبلی، کسی که نجیب‌زاده بود، انسان بود، بقیه رعیت بودند.

و از طرفی، توسعه عبارت است: از فرایندی که در آن، همه جنبه‌های زندگی اعم از نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روابط بین الملل مورد بازسازی نهادی قرار گیرد؛ به صورتی که همه سرمایه‌های فیزیکی مانند سرمایه‌های طبیعی و مالی و غیرفیزیکی مانند سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، نهادی و نمادین تولید و حفاظت شود و گسترش یابد. و می‌باید توجه داشت که:

۱. توسعه به معنی همسان شدن جوامع نیست. بعضاً تصور می‌شود توسعه یعنی غربی شدن. توسعه یافتن به معنی یکسان شدن ملل جهان نیست؛ مثلاً ژاپن، آمریکا و انگلیس توسعه‌یافته‌اند، اما از لحاظ نحوه رفتار و آداب و رسوم یکی نیستند؛ دارای تشابه‌های قابل توجه هستند، اما به این معنی نیست که همه ارزش‌های آنها یکسان شده است.

۲. توسعه در هیچ کشوری اتفاق نمی‌افتد مگر آنکه در آن کشور مبانی اندیشه‌ای و سازمانی دنیای قدیم، دچار تحول و نوسازی شود. جامعه توسعه نیافته جامعه‌ای است که سیستم‌های آن بر اساس فرمان و سنت حرکت

می‌کند، مگر آنکه این دو (فرمان و سنت) را با عقل‌گرایی، تدبیر و علم جایگزین نماید. طبیعی است که در آن صورت، نهادها، سازمان‌ها و سیستم‌ها می‌باید متحول شود.

۳. توسعه فرایندی است که طی آن، باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند و طی این فرآیند، سطح رفاه جامعه ارتقاء می‌یابد.

۴. توسعه یافتگی یعنی کار و مشقت کم و بازدهی زیاد و توسعه نیافتگی یعنی کار و مشقت زیاد و بازدهی کم.

۵. توسعه یعنی حداکثر استفاده از زمان و افزایش بازدهی از طریق گسترش صنعت و نوآوری.

تمدن جدید جهان کنونی (توسعه یافتگی)، متکی به چند اندیشه اساسی زیر است:

از نظر مبانی، متکی بر برابری، آزادی، اصالت فرد و هویت یگانه انسان‌ها؛

از دیدگاه معرفت‌شناسی و شناخت تمدن جدید، متکی بر استفاده و کاربرد دانش تجربی یا علم؛

به این ترتیب، در تمدن جدید، انسان‌ها چون برابرند، آزادند و این آزادی، به معنای بهره‌گیری از حقوق قانونی است و نه مقید به «فرمان» حکمروایان، و در این صورت است که علم و اندیشه و در نتیجه، جامعه پیشرفت می‌کند، فعالیت نهادها کارا و پایدار می‌شوند و تمدن جدید امکان می‌یابد که نیازهای مادی و معنوی مردم را در حد انتظار آنها تأمین کند (با استفاده از: عظیمی، ۱۳۷۹).

و به تعبیر دیگر، توسعه یک نوسازی بنیادی جامعه است از دنیای قدیم به دنیای جدید. در دنیای قدیم، بر اساس «فرمان» و «سنت» جامعه اداره می‌شده و در دنیای جدید، «تعقل» و «نوآوری» بیشترین نقش را یافته است (عظیمی، ۱۳۸۲).

ادبیات و تئوری‌های تمدنی و توسعه، مسیر بلندی را پشت سر گذاشته است. ابتدا الگوها صرفاً بر تولید استوار بود؛ بعدها به توسعه و بویژه تبدیل نیروی انسانی (عامل کار) به سرمایه انسانی (مهارت‌ها، تخصص‌ها و دانش) توجه بیشتری معطوف گردید و سپس سرمایه اجتماعی مدنظر قرار گرفت که حاصل تعامل نهادها، شهروندان و دولت بود. به تدریج موارد فوق تحت عنوان «حکمرانی خوب»^۱ مطرح گردید که برخی شاخص‌های دیگر را نیز در بر گرفت (با استفاده از: حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳)؛ که در جدول ۱ و ۲ به آن پرداخته شده است؛ و در ارتباط با موضوع این مقاله، حکمرانی خوب، نهاد قضایی، ساختار فرهنگی و آموزشی، عمدتاً شامل نظام آموزش عمومی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مجامع علمی و تحقیقی، مدنظر قرار می‌گیرد.

برای ایجاد بستر و زمینه تمدن‌سازی نیز می‌باید گام‌های زیر برداشته شود (عظیمی، ۱۳۸۲):

۱- درک و هضم اندیشه اصلی تمدن؛

۲- برابری و آزادی انسان‌ها؛

۳- مرجعیت منطق، دانش، علم و دانایی؛

۴- نظام آموزشی همگانی متناسب؛

۵- خلاقیت، ابداع، نوآوری و بهره‌وری؛

۶- سازماندهی نهادها بویژه نهاد حکمرانی برای تحقق این اندیشه‌ها.

مرحله بعدی، آن است که این فرایند با مشارکت عمومی، در ذهن و فرهنگ و محتوای فکری جامعه شکل بگیرد و نهادینه شود و به یک معنا، نهادهای تولید و انباشت سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، فرهنگی، نهادی و نمادین، نهادمند و همگانی گردد.

اما الگوهای لازم است که این فرایند را با توجه به فرهنگ و ارزش های جامعه به پیش برد. برای تمدن اسلامی، این الگو از نظام مطلوب اسلامی نشات می گیرد که در صفحات آتی به آن پرداخته می شود.

تمدن الزامات خود را دارد که برای نیل به آن، ابتدا می باید رشد تولید و بعد از آن، توسعه اتفاق افتد که نهادهای تأمین و تحکیم کننده و شکوفاساز تمدن جدید و لازم برای توسعه کشور و نیز نهادها و شاخص های کیفی توسعه فراوانند که اهم موارد آن در جدول زیر ملاحظه می شود.

جدول ۱. نهادهای تأمین و تحکیم کننده و شکوفاساز تمدن جدید و لازم برای توسعه کشور

ردیف	نام نهادها	ویژگی های اصلی توسعه ای لازم
۱	دموکراسی	<ul style="list-style-type: none"> پذیرش مشروعیت علم در امور علمی پذیرش آرای عمومی در امور غیرعلمی عدم تمرکز در تصمیم گیری ها مشارکت دادن واقعی مردم
۲	حکمرانی خوب	<ul style="list-style-type: none"> فرایند انتخاب دولت توسط مردم و نظارت بر دولت توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست ها و کارآمدی و شفافیت دولت و نظام اداری و قضایی تعهد شهروندان و دولت به هنجارهای اقتصادی و اجتماعی فی مابین آزادی شهروندان برای اظهار نظر و پاسخگویی دولت نبود مقررات دست و پاگیر کسب و کار و تجارت و بلاخص تجارت خارجی صلاحیت و شایستگی کارگزاران بویژه قضات و سطح بالایی از حاکمیت قانون و کنترل فساد ثبات کافی حاکمیت و تأمین نیازهای عمومی به صورت مطلوب از سوی دولت
۳	نهاد قضایی	<ul style="list-style-type: none"> بی طرف و بویژه مستقل از دولت مقتدر و قاطع قانونمند و با رویه واحد کارآمد و به روز سریع و ارزان در دسترس عموم و شفاف متکی به سیستم و نه اشخاص
۴	رسانه های جمعی	<ul style="list-style-type: none"> مستقل از دولت متنوع فراگیر آزاد و بی طرف
۵	دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی	<ul style="list-style-type: none"> مستقل از دولت به رسمیت شناختن رقابت آزادی هر نوع پژوهش نشر آزادانه نتایج پژوهشی
۶	احزاب سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> مستقل از دولت متنوع و رقابتی فراگیر و در دسترس همگان محل پرورش سیاست ورزان محل پرورش نوآوران سیاسی (سیاستمداران خیره)
۷	مؤسسات و مجامع علمی، تحقیقی و نظریه پردازی	<ul style="list-style-type: none"> مستقل از دولت متنوع و رقابتی (زمینه ساز نوآوری) آزاد و فقط محدود به حدود علم محل پرورش صاحب نظر و دانشمند
۸	مؤسسات پژوهش های کاربردی	<ul style="list-style-type: none"> مستقل از دولت و آزاد فراگیر متنوع و رقابتی (زمینه ساز نوآوری) محل پرورش نوآوران فنی (مبتکران و مخترعان)
۹	مراکز صنعتی - تولیدی و سرمایه گذاری	<ul style="list-style-type: none"> مستقل از دولت متنوع، قدرتمند و رقابتی (زمینه ساز نوآوری) محل پرورش نوآوران اقتصادی
۱۰	زیرساخت اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> بخش خصوصی گسترده و قانونمند و زیر نظارت جدی دولت
۱۱	نظام آموزش عمومی	<ul style="list-style-type: none"> مستقل از دولت و در چتر حمایت دولت فراگیر، ارزان و در دسترس همگان

متکی بر هدف اصلی پرورش شهروند جامعه پذیر	زیرساخت‌های اجتماعی	۱۲
متکی بر نیروی انسانی ویژه و فضاهای آموزشی مناسب		
نظام حمایت‌های اجتماعی معقول و فراگیر		
نظام بیمه‌های اجتماعی فراگیر		
نظام بیمه‌های فردی فراگیر		

مأخذ: آسیب‌شناسی توسعه: اقتصاد ایران (ماهیت و روش) از دیدگاه عظیمی، ۱۳۹۳

جدول ۲. نهادها و شاخص‌های کیفی توسعه

شاخص‌های کیفی	ساختارها
الگوسازی فرهنگی	ساختار فرهنگی و آموزشی
بازبینی و توسعه‌ای کردن محتوای کتب درسی آموزش‌های پایه (ابتدایی، راهنمایی)	
بازبینی و توسعه‌ای کردن روش تدریس آموزش‌های پایه (ابتدایی، راهنمایی)	
بازبینی و توسعه‌ای کردن فضای آموزشی درسی آموزش‌های پایه (ابتدایی، راهنمایی)	
بازبینی و توسعه‌ای کردن تربیت معلم و شیوه‌های مدیریت (ابتدایی، راهنمایی)	ساختار اجتماعی
حذف اشرافیت خونی، نژادی، خانوادگی و ...	
گسترش طبقه متوسط و ایجاد انسجام در بین طبقات مختلف مردم	
ایجاد مفاهیم ملموس در زمینه وفاق اجتماعی و منافع ملی	
تقویت خانواده هسته‌ای و رشد متناسب جمعیت	ساختار سیاسی
گسترش شهرنشینی	
مردم‌سالار بودن ساختار سیاسی	
اتکاء ساختار سیاسی بر اقشار نوگرا	
نهادینه شدن مرز بین سیاست و علم و پذیرش مشروعیت علم در امور علمی	ساختار علمی - فنی جامعه
نهادینه شدن مرز بین ارزش‌ها و بوروکراسی جامعه با پذیرش موازین فنی در اداره امور	
اتکا ساختار سیاسی بر عدم تمرکز در تصمیم‌گیری و اجرا	
حمایت از تأسیس، حفظ و گسترش احزاب متعدد و متنوع سیاسی	
جداسازی کامل سازمان‌های اطلاعاتی و نظامی از امور اجرایی و اقتصادی	ساختار اقتصادی
باسوادی عمومی جامعه	
تناسب کیفی آموزش‌ها	
وجود دانشگاه‌های معتبر و مستقل از دولت	
وجود شبکه گسترده مؤسسات نظریه‌پردازی علمی در حوزه‌های مختلف علوم	ساختار بین‌المللی
وجود شبکه گسترده مؤسسات پژوهش و گسترش (R&D)	
وجود امکانات فراگیر آموزش فنی و حرفه‌ای	
وجود مجامع و انجمن‌های علمی مستقل و آزاد	
ایجاد امنیت برای سرمایه و مالکیت	ساختار بین‌المللی
نهادینه شدن ضرورت وجود رقابت در همه بازارهای اقتصادی	
گسترش و عمومی شدن اقتصاد پولی	
گسترده شدن بازارها و دور شدن از اقتصادهای خودمصرفی محلی، منطقه‌ای یا ملی	
حذف فقر مطلق و محدود کردن فقر نسبی از جامعه (حمایت‌های اجتماعی)	ساختار بین‌المللی
حذف آثار مصیبت‌بار بلایای طبیعی، سوانح و ... با حمایت‌های اجتماعی و بیمه	
گسترش طبقه متوسط، گسترش مالکیت خصوصی	
تقویت سهم مالیات و تأمین اجتماعی در بودجه دولت	
قانونمندی و قاطعیت در مبارزه با فسادهای اقتصادی و مالی	ساختار بین‌المللی
متکی بر آینده‌نگری و مدیریت علمی - فنی	
باز بودن بازارها بر روی جهان	
باز بودن ارتباطات بر روی جهان	
مشارکت فعال در مجامع بین‌المللی	ساختار بین‌المللی
مشارکت در سرمایه‌گذاری بین‌المللی	
تغییر ساختار صادرات منابع به طرف صادرات صنعتی پیشرفته	
برقراری ارتباطات دوطرفه علمی - فنی با جهان	
تغییر الگوی وابستگی یک‌طرفه کشور به الگوی پیوستگی متقابل با کشورهای جهان	ساختار بین‌المللی
اتکای هر چه بیشتر سیاست خارجی به گسترش روابط اقتصادی متقابل نوین صنعتی	

مأخذ: آسیب‌شناسی توسعه: اقتصاد ایران (ماهیت و روش) از دیدگاه عظیمی، ۱۳۹۳

۱-۴. رعایت اصول توسعه

۱. اصولی برای دوران گذر توسعه‌ای برای نیل به تمدن مهم است که می‌باید در حرکت توسعه‌ای رعایت شود که اهم آن عبارت است از:

۲. اصل فراگیری: توسعه کامل بدون توسعه تمامی ساختارها ممکن نیست.
 ۳. اصل گذار: در فرایند گذار، همواره با شکاف ساختاری مواجه هستیم. لذا، ویژگی اصلی کشورهای در حال توسعه، عدم تعادل و تنش همیشگی و طبیعی است.
 ۴. اصل مدیریت تنش: شکاف ساختاری، برخورد و تنش ایجاد می‌کند و اگر تنش‌ها به طور دائمی مدیریت نگردد، و برخوردها از حدی بگذرد، تبدیل به مانع توسعه و بحران می‌شود.
- در این مقاله، بر عوامل محوری یعنی نهادهایی چون نظام سیاسی (حکمرانی خوب)، نهاد قضایی، نظام فرهنگی و آموزشی، تاکید می‌رود. و البته قانونمندی و مبارزه با فساد در همه ابعاد و مراحل از ضرورت‌های قطعی است.

۵. حکمرانی در اسلام

نخستین حکومت اسلامی در سال ۱۳ بعثت توسط پیامبر (ص) در مدینه تأسیس شد، که جمعی از مردم تازه مسلمان یثرب نزد پیامبر در مکه آمدند و با ایشان بیعت نمودند و اعلام کردند که مردم آن دیار آماده استقبال و همراهی‌شان می‌باشند و پیامبر که اشتیاق آنان را نسبت به خود دید، به آنجا هجرت نمود و حکومت با محوریت دین جدید را تشکیل داد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲).

در دیدگاه شیعه و اهل سنت، بر خواست و بیعت مردمان بر تعیین حاکم تأکید شده، اگر چه شیعیان، نص (و نصب) و نیز شرایط زمامدار را اصل می‌دانند، اما بسط ید والی را به رأی و بیعت مردم منوط می‌دانند؛ چنانچه از علی (ع) نقل شده است: پیامبر (ص) فرمود: زمامداری امت با تو است، پس اگر تو را با رضایت خاطر به امارت نشانند، زمام حکومت را به دست بگیر (ابن طاووس به نقل از: حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳).

همچنین در زمان بیعت مردم با علی (ع) که بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر (ص) به وقوع پیوست، در روز جمعه و در مسجد مدینه «با مردم به صراحت چنین گفت: ای مردم! امر حکومت با شماست» (hawzah.net) و هنگام اعزام والیان به ولایات، خطاب به آنان می‌فرماید: «هنگامی که به آن ولایت رسیدی، مردم را جمع کن و نامه مرا بخوان که تو را حاکم به آنان قرار داده‌ام، سپس از مردم بخواه که درباره امارت تو نظر دهند. اگر با تو بیعت نکردند، بازگرد تا به خواست خدا، حاکم دیگری را بر آنجا تعیین کنم». همچنان که بنیانگذار جمهوری اسلامی تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت را (در صورت داشتن شرایط) به آراء اکثریت مسلمین منوط می‌دانند (فیرحی، ۱۳۸۲).

۱-۵. رعایت حقوق مردم و مشاوره با آنان و پاسخگویی دولت

در باب مشورت، علی (ع) به والیان مکرراً توصیه می‌کند که در باره امور حکومتی با صاحب نظران مشورت کنند و بویژه از کسانی که در گفتن سخنان حق - اگر چه ناگوار - شجاع ترند، برگزینند و وقتی امام خود را برتر از آن نمی‌داند که از خطا ایمن باشد، کارگزاران او به طریق اولی، امکان خطا داشته‌اند. همچنین توصیه می‌کردند که در صورت گمان مردم نسبت به ظلم حاکمان، آشکارا با مردم سخن بگویند و با تبری جستن از خطا، اعتماد مردم را به آنان باز گردانند (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه های ۴۰ تا ۴۴).

درباره حقوق متقابل مردم از دولت، امام (ع) حق مردم را خیرخواهی، ایجاد آسایش، تلاش برای آموزش و دانایی مردم می‌داند و در آن صورت، بر مردم است که رعایت وفاداری، خیرخواهی، برخورد ناصحانه برای حکومت و اطاعت از قوانین حکومتی را بنمایند (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۲۴).

همچنین ایشان به خدا سوگند یاد می‌کند که مردم را به رعایت قانونی فرا نخواند، مگر آنکه خود، بیش و پیش از بقیه به آن پای بند باشد (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

۲-۵. مقابله با فساد

مقابله با فساد به عنوان اصلی خدشه ناپذیر در دیدگاه اسلامی پذیرفته شده است؛ به طوری که از امام اول شیعیان نقل شده که خطاب به والیان سوگند یاد می‌کند که در صورت دست اندازی به اموال مسلمین ولو بسیار اندک، آنها را به روز سیاه بنشانند و همچنین، روش ایشان این بود که به کارگزاران به گونه ای (از نظر معیشت) رسیدگی و نیز نظارت گردد تا حجت برایشان تمام شود و از خیانت به امانت بیت المال در امان بمانند و هیچگونه حق ویژه ای برای خود از اموال مسلمانان قائل نباشند (ر. ک: نهج البلاغه، نامه ۲۰ و ۵۳).

۳-۵. تلاش برای استقرار نظام قضایی مطلوب

با توجه به جایگاه والای عدالت در آموزه های اسلامی، بویژه شیعی، دستگاه قضایی از اهمیت ویژه ای در اجرای عدالت برخوردار می باشد، امام علی (ع) رضایت خاطر خود و حاکمان را در گسترش عدالت در جامعه از سوی حکومت و ارتقای اعتماد از سوی مردم به حکومت می دانست (ر. ک: نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ چنانکه از سوی امام (ع)، برای تصدی منصب قضا، شرایطی برشمرده شده که مهم ترین آنها از این قرار است (ر. ک: نهج البلاغه، نامه ۵۵):

- از عالم ترین و صبورترین مردمان باشد؛

- برای کشف حقیقت، دقیق و جدی باشد و عجله نکند؛

- طمع کار نباشد و در مقابل تطمیع و تهدید ایستادگی کند؛

- بی طرفی را موکداً رعایت نماید؛ اگر حکم مشخص نشد، در جمع آوری دلایل بیشتر تلاش کند و اگر به نتیجه رسید، قاطعانه آن را اعمال نماید.

توسعه اقتصادی و اجتماعی که در نگاه دینی می باید بستر اصلی تأمین سعادت فردی و جمعی باشد، از مسیر عمل اخلاقی یکایک آحاد جامعه می گذرد که محصول و برآیند آن در سطح کلان، سرمایه اجتماعی را به ارمغان می آورد و امروزه تقریباً مسلم شده که ظرفیت ها و فرایندهای اصلی رشد و توسعه کشورها بر پایه ذخیره سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و نهادین است و منابع اقتصادی، شرط لازم و بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، شرط کافی فرایند توسعه اند که موجب شکوفایی استعدادها، خلاقیت ها، و نوآوری می شوند (رنانی، ۱۳۸۸).

۶. ارزش فرهنگ و علم در اسلام

البته علم و فرهنگی که در دوران مدرن و در بخشهای توسعه مطرح است با علم و فرهنگی که در ادبیات اسلامی بر آن تأکید شده به لحاظ مفهومی کاملاً منطبق نمی باشد، که در اینجا از بحث درباره بنیادهای آن صرف نظر می کنیم و می پردازیم به قول محمد حسین طباطبایی، عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و از این قبیل به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو مستقل و ابتکاری در سرانجام، بود که مسلمین قسمت معظم مناطق معموره را در مدیریت خود داشتند (ر. ک: طباطبایی، ۱۳۶۹)؛ زیرا قریب ۷۵۰ آیه از قرآن در فضیلت علم، دعوت به آموزش، خواندن، اندیشیدن و تفکر بوده که بیش از ۷۰ آیه آن درباره عقل، برهان، فکر، فهم و تفقه نازل شده، در حالی که آیات احکام کمی بیش از ۴۰۰ آیه است (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۳).

استفاده از علوم دیگران و دانشمندان متدین به ادیان دیگر نیز رواج داشت. همچنین مباحثات و مراودات با بزرگان ادیان دیگر برقرار و احترام دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان، امری رایج بود تا آنجا که در اوج تمدن اسلامی، یک دانشمند مسیحی به ریاست بیت الحکمه دمشق گمارده شده بود (با استفاده از: زرین کوب، ۱۳۸۰). چنانچه به تعبیر گوستاولوبون، مسلمانان بر هر شهری که مسلط می شدند، اولین کارشان بنای مسجد و مدرسه بود و به این ترتیب، بیت الحکمه ها، دارالعلم ها و نظامیه ها که کار دانشگاه های امروز را به نسبت زمان خود انجام می دادند، در بلاد اسلامی، بسیار رونق یافت (لوبون، ۱۳۴۴).

۷. علل پیشرفت جوامع اسلامی در قرون اولیه

امت اسلام در تأسیس، بیش از هر چیز نیاز به مجاهدان داشت و تأکیدات فراوانی در آیات و چه احادیث و روایات بر جهاد بود. پس از تثبیت حکومت، کشورگشایی ها آغاز و سرزمین های اسلامی هر چه وسیع تر شد، و نیاز به نظریه های حقوقی (فقهی) برای تنظیم امور احساس شد که از نظر برداشت های شیعی، عمدتاً ائمه دوازده گانه (ع) و بعد از آنان فقها در این حوزه ارائه طریق می کردند و پس از آن، می باید به نیازهای دیگر پاسخ داده می شد و برترین های علم، فرهنگ و تئوری پردازان تمدن در جهان، در این دیار ظاهر شدند. مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری (قرن دهم و یازدهم میلادی) بر بخش اعظمی از جهان بویژه نسبت به غرب برتری داشتند و در قرن پنجم و ششم هجری (قرن ۱۳ م.) خلافت ها، ابتکارات و نظام آموزشی که محور توسعه آن روز جهان اسلام بود، اوج یافت.

چنانکه ویلیام جیمز دورانت^۱ معروف به ویل دورانت، پیدایش و اضمحلال تمدن اسلامی را از حوادث بزرگ تاریخ دانسته که طی ۵ قرن از قرن ۷ تا ۱۲ میلادی پیشرو در جهان بود و اروپا از مسلمانان، طبیعت، شیمی و هیات و انواع اطعمه، دارو، درمان، اسلحه، هنر، صنعت، تجارت و دریانوردی را از طریق بازرگانی و جنگهای صلیبی را آموخت (ر. ک: دورانت، ۱۳۷۳) و هزاران کتاب از عربی به لاتین ترجمه شد و در مدارس اروپایی تدریس می گردید و اروپائیان برای کسب تحصیلات عالی آن روز و نیز جهانگردی و دیدن معماری های زیبا و مجلل و کتابخانه های وسیع و مراکز علمی به جهان اسلام مسافرت می کردند و همچنین بسیاری از محصولات کشاورزی، دامداری و فنی از طریق اسپانیا به اروپا صادر می شد.

۷-۱. شکل گیری نهادهای بنیادی پیشرفت در دوره اسلامی

۷-۱-۱. ظهور تمدن اسلامی

تمدن جدید صنعتی - همین طور تمدن اسلامی - نه متکی بر منابع بودند، که بر ظرفیت و توانایی ذهنی انسانها اتکا داشته و دارند. از همین رو، می بینیم مهد تمدن اسلامی یعنی عربستان اساساً فاقد هر نوع منابع فیزیکی بوده است. هر حکومتی، اگر دارای اندیشه ای باشد که همه انسان های جامعه را انسان تلقی کند و به هیچ بهانه ای برای انسانها اشرافیت قائل نشود و در کنارش اندیشه تجهیز این انسانها را به علم و فناوری داشته باشد، همانند تمدن اسلامی و تمدن صنعتی، ظرفیت ایجاد یک تمدن شکوفا را به دست خواهد آورد (عظیمی، ۱۳۸۲).

صاحب نظران به دنبال یافتن دلایل پیشرفت ناگهانی علوم اسلامی از قرن دوم هجری بوده اند. بررسی های اخیر، علاوه بر ارزش علم و عالمان، و ... در آموزه های اسلامی که زمینه و بستر پیشرفت را ایجاد می کرد، دلیل اصلی را

1. William James Durant

عامل رقابت (موآد) آزاد بین فاتحان مسلمان و اتباع غیرمسلمان سرزمین‌های فتح شده می‌دانند که به تمدن اسلامی در قرون اولیه ظهور اسلام منجر شد. در اقتصاددانان این اتفاق نظر وجود دارد که شرط لازم رشد مداوم اقتصادی، نوآوری فناورانه است (گروسمن و هلیمن،^۱ ۱۹۹۳).

با شروع فتوحات مسلمانان، ساکنان سرزمین‌های فتح شده که نمی‌خواستند از باورهای خویش دست بردارند، اجازه یافتند در ازای پرداخت نوعی مالیات (جزیه)، بر دین و آئین خود باقی بمانند.^۲ که این نوع برخورد در اروپای مسیحی سابقه نداشت (لویس،^۳ ۲۰۰۲). زیرا هنگامی که پیامبر اسلام (ص) و یارانش با مخالفان مواجه گردیدند، یاران را تشویق کرد تا مخالفان را به یکی از سه طریق حکمت (برهان)، موعظه (خطابه) و مجادله (جدل) دعوت به دین کنند (طباطبایی، منبع الکترونیکی)؛ همچنین در آیات قرآن، با اجبار کفار برای گرویدن به دین اسلام مخالف آشکار شده است (بقره: ۲۵۶).

طبق مقررات اسلامی حکام اجازه نداشتند تا کفار را به زور مسلمان کنند، از سوی دیگر، کثرت غیرمسلمانان، حکام و علمای دینی را مجبور ساخت به روش‌های عقلی و منطقی برای اقتناع مخالفان متوسل شوند. آنها از طریق اعطای معافیت مالیاتی و نیز ارتقای جایگاه اجتماعی تازه‌مسلمان‌ها، سعی می‌کردند کفار را به دین خود ترغیب کنند. اما مشکل آنان این بود که اگر شخصی مسلمان می‌شد، امکان تغییر دین خود را نداشت. در این بین، علماء، فقها، و متکلمان یهودی و نصرانی بیکار ننشسته و با استدلال‌های منطقی، با علمای مسلمان بحث‌های علنی می‌کردند تا مانع مسلمان شدن هم‌دینان خود شوند. از این رو، مباحثه و مجادله بین پیروان ادیان، تقریباً تنها وسیله‌ای بود تا برتری هر دین به اثبات رسد. مسلمانان احساس کردند که اهل کتاب در این مباحثات، قویتر ظاهر می‌شوند؛ زیرا آنها به منابع حکمت یونانی و دیگر منابع دسترسی و سابقه بیشتری در مباحث داشتند که مسلمانان از آنها محروم بودند. به دلیل عملکرد ضعیف مسلمانان اولیه در مباحثات بین ادیان، حاکمان سیاسی و علمای دینی مسلمان را مجبور ساخت تا اجازه ترجمه آثار مختلف ایرانی و یونانی و نیز رقابت بین ادیان را به دانشمندان اسلامی و غیراسلامی بدهند تا به استدلال‌های غیرمسلمانان پاسخ داده شود. تحمل و مدارا با غیرمسلمانان باعث ایجاد محیط رقابتی بین ادیان و فرهنگ‌ها گردید. آنان همچنین از ترویج علم کلام- جهت استدلال عقلانی باورهای اساسی مسلمانان- حمایت می‌نمودند. پس از آن، فقها و متکلمان، تقریباً به‌صورت آزادانه پاسخ‌هایی برای سؤالات و شبهات علمای ادیان دیگر پیدا می‌کردند که لزوماً در کتاب و سنت، به آن صورت به آنها پرداخته نشده بود (خیرخواهان، ۱۳۸۹).

از این رو، بازاری پررونق و رنگارنگ از تبادل نظرات و استدلال‌های پیروان ادیان مختلف پدید آمد که آزادانه با هم رقابت داشتند. از رهگذر رقابت بین متولیان اسلام و ادیان سرزمین‌های فتح شده، و مدارای دینی که به وجود آمده بود، علوم گوناگون و نوآوری و اختراعات در سرزمین‌های پهناور اسلامی، به پیشرفتی خارق‌العاده‌ای یافتند. نوآوری‌ها موتور رشد و پیشرفت بود و به تغییر جهان‌بینی مسلمانان نیز مساعدت کرد؛ که عامل اصلی در خیزش تولید علمی مسلمانان به شمار می‌آید. اگر جهان اسلام در آن زمان پیشرفته‌تر بود، یک دلیل آن این است که در مرز نوآوری علمی و فناوری ایستاده و در سده دوم هجری، شناخت و خلاقیت اسلامی به منتها درجه خود رسیده بود (کوران،^۴ ۱۹۹۷).

1. Grossman, Gene M. and Elhanan Helpman

۲. این افراد ذمی نامیده می‌شدند و از حمایت حکومت اسلامی برخوردار بودند.

3. Lewis, Bernard

4. Kuran, Timur

۲-۷. دلایل رکود جوامع اسلامی

افول تمدنی مسلمانان از قرون بعد آغاز می‌شود. که دلیل اصلی آن راه مقاومت حکام و علمای دینی در برابر آزادی مباحثات دینی، رقابت و جلوگیری از نوآوری های نظام دانایی می‌داند.

اگرچه دلایل بسیاری از جمله: تداوم سیطره ارسطو در فلسفه نظری، تسلط تفکر افلاطونی در فلسفه سیاسی، نگاه سقراطی به حقوق و عدالت، برداشت جزم اندیشانه و ایستا از دین و پافشاری بر آن، غلبه نگاه صوفیانه، عدم شکل گیری عقلانیت ابزاری، عدم تلاش برای انطباق معیارها و ارزش های متحول جامعه، و ... نیز برای آن برشمرده شده است؛ که در این مقاله به جنبه ها و ابعادی خاص پرداخته شده است.

پس از عقب ماندن جوامع اسلامی بویژه از غرب، صاحب نظران مسلمان با تأخیری نسبتاً زیاد، به این موضوع توجه نشان دادند. در قرن دهم هجری (۱۷م) غریبان بر مسلمانان تسلط کامل یافتند ولی، اولین متفکر صاحب نام در این زمینه عبدالرحمن ابن محمد ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ هجری، تونس) است که به نظریه پردازی در این زمینه پرداخت که حدوداً دو قرن از آغاز عقب نشینی های مسلمانان می گذشت.

دولتمردان و نخبگان آن زمان، از درک نهادهای تقویت کننده علوم و فنون، پیشرفت اقتصادی و شناسایی رفتار اجتماعی مسلمانان در دوران رونق و عظمت عاجز بودند. و از سوی دیگر، غریبان به این رموز و البته با بنیان های فکری خود آشنا شده بودند؛ به طوری که تا قرن ۱۹ حتی یک اثر با محتوای اقتصادی به زبان مسلمانان - عمدتاً عربی، فارسی و ترکی - ترجمه نشده بود؛ در حالی که تا پایان قرن ۱۸، اروپائیان ۹۵ کتاب دستور زبان و ادبیات فارسی، ترکی و عربی و ۲۱ فرهنگ لغت منتشر کرده بودند، در حالی که در کشورهای اسلامی^۱ تا قرن ۱۹ حتی یک کتاب دستور زبان و یا دایره المعارف و فرهنگ زبان و ادبیات غربی انتشار نیافته بود (خیرخواهان، ۱۳۸۹).

با توجه به اینکه در چنین شرایطی، عموم مسلمانان بی سواد بودند، در جهان توسعه یافته آموزش عمومی رایج می شد. از مشکلاتی که برشمرده شده، از وضعیت زمین داری در ایران و برخی کشورهای اسلامی، تا جنگهای مستمر، دگماتیسم و جمود، تعصب، نگرش به کار، ظاهرپرستی، منافع کوتاه مدت، زبان پریشی و از این قبیل بوده که هر یک در جای خود، توضیح جنبه های مختلف عدم توسعه یافتگی کشورهای اسلامی و پیشرفت غرب را بیان می کنند.

تا آنجا که بررسی ها نشان می دهد، عناصری که در قرون اولیه اسلام، عاملی برای آبادانی به شمار می آمد و در زمان خود، کارکردهای مثبت و قوی داشت اما استمرار و تداوم آنها برای جامعه و جهانی که دیگر شده بود، مشکلاتی را به وجود آورد که جوامع اسلامی را از رشد باز داشت.

خاورمیانه چند قرن آباد بود، اما به عنوان مثال در دمشق (یکی از مراکز اصلی بلاد اسلامی) قواعد و رسوم اعتباردهی تا قرن هیجدهم میلادی، فرقی با قرن دهم نداشت؛ قوانینی که در هزار سال قبل، بسیار کارآمدی داشت، در ۲ قرن پیش به مانعی برای توسعه تبدیل شده بود (کوران^۲، ۲۰۰۶).

در قرون اولیه اسلام، مبادلات بین فرهنگی داخلی و خارجی حاکم بود و رقابت بین اصحاب علوم و مکاتب برقرار و موجب پویایی بود ولی بعدها، یک تفسیر با یک جهان بینی ایستا و نیز ساختارهای نهادی و چارچوب های سازمانی متصلب حاکم شد و ابراز و ارائه بدیل های رقیب، پرمخاطره گردید و بدگمانی نسبت به امور نوظهور، در افول

۱. که ایران نیز یکی از کشورهای اصلی اسلامی بود و اکنون نیز این جایگاه را برای خود حفظ کرده است.

اقتصادی نقش داشت و تا مدتی تعادل ایستای ناپایداری حاکم بود که نتوانست پاسخ کارآمدی به چالشهای مطرح شده و بعدها در برابر اقتصادهای پیشرو اروپائیان ارائه دهد که خود مخرب خویش گردید (کوران، تیمور، ۱۳۷۵). در هر دینی، کمابیش عناصری از عوامل پیشرفت و نیز غیرآن وجود دارد و مسلمانان نیز دوره‌های اوج شکوفایی و نیز دوره‌های بی‌حرکی را تجربه کرده‌اند. اینکه چه عناصری از ادیان برجسته‌گرد، بستگی به عوامل بسیار از جمله شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد که پارادایم تفسیری نخبگان را شکل می‌دهد که این پارادایم‌ها چه بسا برون دینی باشد؛ به این معنا که اگر ساختار ذهنی عالمی، بر محور عدالت شکل گرفته باشد، عناصر عدالت‌گرایانه را از دین برخواهد گرفت.

همان‌طور که تاریخ اسلام تاکنون - آنچه که در ادوار مختلف و در واقعیت اتفاق افتاده - نشان می‌دهد، در هر دوره‌ای، برخی عناصر، برجستگی یافته و برخی عناصر کاملاً غایب بوده‌اند. از بحثهای فوق می‌توان نتیجه گرفت که: عناصر مثبت پیشرفت در تاریخ و یا در متون اسلامی به تنهایی برای تأسیس نظامات توسعه‌ای کافی نیست و به شرط تلاش فراوان بویژه پویسهای علمی^۱ امکان رسیدن به مطلوب، میسر می‌شود.

۸. سخن پایانی

- ما هنوز تکلیف خودمان را با توسعه و تمدن‌سازی در روزگار معاصر روشن نکرده‌ایم و دقیقاً نمی‌دانیم تمدنی را که می‌خواهیم بسازیم، بر کدام اندیشه اساسی استوار است؟ یا اصلاً برای توسعه نیاز به اندیشه خاصی هست یا نه؟ حتی در صورت پذیرش، چنین تمدنی نیاز به انجام چه اقداماتی برای ایجاد، رشد و شکوفایی دارد؟ و این تمدن با تمدن صنعتی جهان چه نسبتی دارد؟ بدیهی است که در چنین شرایطی نتوانسته‌ایم مساله را برای خود روشن کنیم و به جای آن، در بحث‌های محدود فنی و تکنیکی سرمایه، تخصص، رشد، اشتغال، تورم و امثال آن باقی‌مانده و نتیجه‌جدی و ملموس نیز نگرفته‌ایم. تا بحث توسعه و تمدن‌سازی در زمان حال، حل‌وفصل و روشن نشود، نمی‌توانیم اقتصاد، اجتماع، سیاست و فرهنگ شکوفا داشته باشیم.

- امروزه دولت تمدن‌ساز، باید ابتدا از خود شروع کند و مجهز به ویژگی‌های "ثبات ساختاری، نوگرایی اجتماعی، شایستگی اجرایی، نقش‌پذیری علمی، پاسخگویی مدنی و تناسب بین‌المللی" شود. یعنی چنین دولتی خود باید انسان‌محوری و علم‌محوری را بپذیرد. در این صورت است که دولت می‌تواند با اندیشمندان جامعه همکاری واقعی داشته باشد. در این صورت، برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با همکاری دولت و اندیشمندان تهیه می‌شود، که ایجاد فضای رقابت علمی و خلاقیت و نوآوری در جامعه را محور قرار می‌دهد و تداوم آن، به مشارکت مردم و سرمایه‌گذاران و نیروی انسانی نوآور بستگی خواهد داشت، که فرصت‌های جدید را ایجاد نموده و تمدنی نو برای به ارمغان بیاورند.

- جهان اسلام نیاز به پاسخ‌های نوآورانه برای مشکلات واقعی خود دارد (با استفاده از: کوران، ۱۳۷۵).

- در تفکر سنتی ما - مثلاً در کتابهای اخلاق اسلامی اعم از امامیه و اهل سنت - ضعیف‌ترین بخش، بخش روشها و قویترین آنها بیان ایده آل هاست که بسیار مفصل، شکوهمند و دلرباست و تنها کاری که می‌کند، ایجاد یک حسرت در دل آدمی است که چگونه اینها را اجرا کنیم.

۱- والدین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین (عنکبوت: ۶۹).

- در اقتصاد و پیشرفت با الگوی اسلامی، اگر به عدالت، حقیقت و آزادی قائلیم، راه میانبری وجود ندارد که سریعاً جامعه ما را به آن ایده آل‌ها برساند؛ نظام‌هایی که در قرن بیستم^۱ می‌خواستند صرفاً با قدرت دولت و بدون استفاده از تجارب آزمون شده، از راه‌های سریع و آسان، بهشتی زمینی برای مردم بسازند، سر از جهنمی درآوردند که خود نیز در آن سوختند.

- در اسنادی برای نیل به تمدن، از قبیل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، بیشتر اهداف و مقاصد والا بیان شده است؛ و علی‌رغم بحث‌هایی در روش، روشها چندان وسیع، عمیق و گسترده تبیین نشده و یا به صورت میدانی، چنانکه باید و شاید، به آزمون گذاشته نشده است. جامعه توسعه یافته و متمدن زیبایی را گاهی ایده آل‌گرایانه تصویر می‌کنیم، آیا اینکه با کدامین بستر، زمینه و شرایط و بویژه با کدامین روش و ابزار تجربه شده باید اجرا گردد، چندان روشن نیست.

- نگاه و عمل دینی ابتدا می‌باید در جامعه اسلامی به اجرا درآید تا بعد، الگوهایی این چنین جوابگو باشد. در جوامعی که نفع شخصی در اکثر قریب به اتفاق موارد، انتخاب‌ها را جهت می‌دهد، اجرای این الگوها با موفقیت چندان روبرو نخواهد شد.

- تاریخ نشان داده که در اسلام مانند ادیان دیگر، عناصر بالقوه‌ای وجود دارد که می‌توان از آن برداشت‌های کاملاً توسعه یافته نمود و همچنین می‌توان عناصر دیگری را برگرفت که مانع پیشرفت باشد. اگر عناصری که موجد و مانع پیشرفت مسلمانان می‌شود، به درستی بررسی و کشف گردد، راه آینده توسعه این کشورها هموار می‌شود؛ ولو اینکه از تجربیات دیگران اخذ شود؛ همچنان که پیامبر (ص) همزمان با کنترل آداب خرافی و تعصبات قومی، رسوم پسندیده دوره جاهلیت مانند پای بندی به تعهدات و قول و قرارها، حمایت از غریبان و میهمان‌نوازی را نه تنها حفظ نمودند که گسترش دادند.

- علم و دانش می‌تواند یک بار دیگر در بین مسلمانان شکوفا شود، در صورتی که جامعه اسلامی واقعاً خواهان پذیرش تغییرات فلسفی و نگرشی اساسی در باورهای خویش باشد.

۹. جمع بندی

- پایه تمدن، علم و دانایی است که بر یک نظام فکری مبتنا دارد و در چارچوب متناسب یعنی روش علمی در یک فضای رقابتی بویژه نقادی و نقدپذیری شکوفا می‌شود که به صورت دستوری و با اقتدار دینی یا غیردینی پیشرفت نمی‌کند. اگر سؤال کردن و شک در باورها، پر هزینه و پاسخ‌ها از قبل معلوم باشد و باید آنها استخراج و به مخزن محفوظات سپرده شوند، آن جامعه پویایی علمی و نوآوری نخواهد داشت.

- یک جامعه متمدن با الگوهای اسلامی، به گونه‌ای آزادانه توسط نخبگان، متخصصان و کارشناسان در گذشته تاریخی طراحی شده که قابل نقد از سوی جامعه و بویژه اهل فن بوده است.

- اقتصاد، توسعه و تمدن اسلامی و تدوین الگوهای پیشرفت، محصول پرباری و سرریز علوم محیطی خود و رقابت بین تفکرات گوناگون است؛ وگرنه، رقیبان، مجال نقد نمی‌یابند و در این صورت، نه تنها خدمتی به ایجاد تمدن اسلامی نشده که چه بسا شکل‌گیری آن را مانع شود.

۱. از قبیل کمونیزم در اتحاد جماهیر شوروی، فاشیزم در ایتالیای موسولینی و نازیسم در آلمان هیتلری

۱۰. پیشنهادات

- پیشنهاد می‌شود به جای تعریف و تمجید از توسعه، عدالت، آزادی از منظر دین، می باید تئوری‌ها و روش‌های رسیدن به آنها تبیین گردد.
- به صورت ویژه، در مورد نهادهای سیاسی، قضایی، فرهنگی و آموزشی، به اولویت‌های زیر توجه اکید گردد:
 - پذیرش مشروعیت علم در امور علمی و آرای عمومی در امور غیرعلمی؛
 - عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت دادن واقعی مردم؛
 - صلاحیت و شایستگی کارگزاران بویژه قضات و سطح بالایی از حاکمیت قانون؛
 - نهاد قضایی، بی طرف و بویژه مستقل از دولت، قاطع، سریع و ارزان و در دسترس عموم؛
 - دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی، مستقل از دولت، و به رسمیت شناختن رقابت، آزادی هر نوع پژوهش البته با استانداردهای علمی، و نشر آزادانه نتایج پژوهشی؛
 - مؤسسات و مجامع علمی، تحقیقی و نظریه‌پردازی، مستقل از دولت، متنوع و رقابتی (زمینه ساز نوآوری)، آزاد و محدود به حدود علم و محل پرورش صاحب نظر و دانشمند؛
 - مؤسسات پژوهش‌های کاربردی، مستقل از دولت و آزاد، فراگیر، متنوع و رقابتی (زمینه ساز نوآوری) و محل پرورش نوآوران فنی (مبتکران و مخترعان)؛
 - نظام آموزش عمومی، مستقل از دولت و در چتر حمایت دولت، فراگیر، ارزان و در دسترس همگان، متکی بر هدف اصلی پرورش شهروند جامعه پذیر و متکی بر نیروی انسانی ویژه و فضاهای آموزشی مناسب.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن طاووس (بی تا) کشف المحججه لثمره المهجه.
- ۱. آسیب‌شناسی توسعه: اقتصاد ایران (ماهیت و روش) از دیدگاه عظیمی (۱۳۹۳)؛ به کوشش خسرو نورمحمدی؛
وبلاگ معرفی آثار دکتر حسین عظیمی آرنی: <http://developmentazimi.persianblog.ir>
- ۳. پایگاه اطلاع رسانی حوزه: <http://www.hawzah.net>
- ۴. حسین زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۳) بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی(ع)؛ در مجموعه مقالات «حکمرانی خوب، بنیان توسعه»؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۵. خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۹) رابطه نوآوری نهادی با ظهور و افول تمدن اسلامی: یک ارزیابی مقدماتی؛ مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، اردیبهشت.
- ۶. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲) سیره نبوی؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- ۷. دوران، ویل (۱۳۷۳) تاریخ تمدن: جلد ۴؛ ترجمه ع. پاشایی و همکاران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸. دهقانی، محمد و بارانی، محمدرضا (۱۳۹۶) جایگاه رواداری در تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی؛ پژوهشنامه امامیه، شماره ۶، پاییز و زمستان.
- ۹. رحیمی، غلامحسین (۱۳۹۳) سنت علمی در تمدن اسلامی؛ مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س. ۵، ش. ۱۴، بهار.
- ۱۰. رنای، محسن (۱۳۸۸) پیامدهای اخلاقی تورم؛ فصلنامه پژوهشی آئین، شماره ۲۶ و ۲۷.
- ۱۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۰) کارنامه اسلام؛ انتشارات امیرکبیر.

۱۲. زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۶) پیشرفت علمی کشور بر مبنای آزاد اندیشی؛ پژوهش های اجتماعی اسلامی، ش. ۱۱۵.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۹) قرآن در اسلام؛ نشر هجرت.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (منبع الکترونیکی) تفسیر المیزان؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی؛ دفتر انتشارات اسلامی، ج. ۱۲. <http://lib.aholbait.ir/parvan/resource/45959>.
۱۵. عظیمی، حسین (۱۳۷۱) مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران؛ نشر نی.
۱۶. عظیمی، حسین (۱۳۷۹) ایران امروز در آینه مباحث توسعه؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. عظیمی، حسین (۱۳۸۲) الزامات توسعه ای و ساختار نهادی حکومت، بررسیهای بازرگانی، شماره اول، مرداد.
۱۸. فیرحی، داوود (۱۳۸۲) نظام سیاسی و دولت در اسلام؛ سازمان سمت.
۱۹. کوران، تیمور (۱۳۷۵) اسلام و توسعه نیافتگی، بازنگری یک معمای دیرینه؛ ترجمه یدالله دادگر؛ نقد و نظر، شماره ۹، زمستان.
۲۰. لوبون، گوستاو (۱۳۴۴) تمدن اسلام و عرب؛ ترجمه فخرداعی گیلانی؛ انتشارات علمی.
۲۱. واسعی، علیرضا (۱۳۸۸) امکان تمدن اسلامی در دنیای کنونی: نگاهی به مبانی و ظرفیتها؛ مجله نقد و نظر، شماره ۸۸.
۲۲. واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۷۳) تاثیر قرآن در جنبش فکری و نهضت علمی تمدن و تکامل بشر، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

23. Grossman, G. M., & Helpman, E. (1993) Innovation and growth in the global economy. MIT press.
24. Kuran, T. (1997) Islam and Underdevelopment: An Old Puzzle Revisited; Journal of Institutional and Theoretical Economics, 153.
25. Lewis, Bernard (2002) What Went Wrong? Western Impact and Middle Eastern Response; New York: Oxford University Press.